

بررسی لاله رخ توماس مور در پرتو نظریه ادوارد سعید

لیلی جمالی*

سمیرا مدرس**

چکیده

شعر بلند روایی لاله رخ نوشته توماس مور شاعر ایرلندی داستان سفر شه دختی جوان و دلدادگی او به فرامرز، شاعر جوانی است که در مسیر سفر داستان‌هایی از سرزمین ایران روایت می‌کند. دوران حیات شاعر مصادف با حکومت ناپلئون، سلطنت جورج سوم و نیز استعمار ایرلند توسط انگلیس است و آن چه در بررسی شعر لاله رخ جالب می‌نماید گزینش هدفمند وقایع تاریخی ایران، داستان‌های کهن فارسی و متون اسلامی، و تطبیق آن با فضای سیاسی زمان و مکان شاعر است که در حیطه نظریه شرق شناسی ادوارد سعید (۱۹۷۹) قابل بررسی می‌باشد. شرق شناسی به بررسی نحوه تعامل متون شرق نگر غربی با عناصر شرقی می‌پردازد و طرح آن دریچه جدیدی بر مطالعه و احیای متون ادبی نویسندگان و مستشرقان غربی قرون هجده و نوزده میلادی گشوده است.

کلیدواژه‌ها: لاله رخ، توماس مور، مقتع، مبارزات ایرلند، استعمار انگلیس، ادبیات فارسی،

زردشت، اسلام.

*. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز (استادیار زبان و ادبیات انگلیسی).

** دانش آموخته ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز (زبان و ادبیات انگلیسی).

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۲۲

leylijamali@gmail.com

مقدمه

در بیست و دوم ماه مه سال ۱۸۱۷ انتشارات لانگمن انگلیس لاله رخ، شعر بلند توماس مور^۱ را به چاپ رساند. در یک سنت شکنی نادر و بی سابقه، ناشر پیش از دیدن شعر مبلغ سه هزار پوند به شاعر ایرلندی آن پرداخته بود. بیش از بیست بار تجدید چاپ اثر در طول حیات شاعر، ترجمه گسترده آن در اروپا و محبوبیت اثر در قرن نوزدهم میلادی، نه تنها سرمایه گذاری غیرمعمول ناشر را توجیه کرد بلکه سبب گشت تا داستان‌های آن بعدها الهام بخش اشعار و نمایشنامه‌های دیگری نیز باشند. گرچه شهرت اثر و نویسنده آن در قرن بیستم بسیار کم رنگ گشت و مور بیشتر به خاطر نوشتن شرح حال شاعر انگلیسی لرد بایرون^۲ در یادها ماند، اما طرح تئوری شرق شناسی ادوارد سعید^۳، متفکر فلسطینی - آمریکایی در سال ۱۹۷۹ به موج جدیدی از فعالیت‌های ادبی در جهان انجامید و محققین بسیاری را واداشت تا به بررسی آن دسته از آثار نویسندگان غربی بپردازند که جهان شرق را دستمایه خلقت ادبی خویش قرار داده بودند و در سایه مطالعاتی ازین دست بود که لاله رخ به عنوان شعری که سرشار از فضاسازی‌ها و داستان پردازی‌های شرقی است، مجال دوباره‌ای برای حضور در مطالعات و مقالات ادبی یافت. مور در لاله رخ توجه ویژه‌ای به وقایع تاریخی ایران می‌کند و بهره فراوانی از آثار فاخر ادبیات فارسی می‌برد. مبارزات ایرانیان در قرون گذشته را به مطالبات هم‌میهنان ایرلندی خود می‌آمیزد، اساطیر شاهنامه را برای طبع اسطوره پسند غربی شیرین‌تر از اساطیر یونان و روم می‌بیند و مفاهیم مشترک و گاه غریب اسلام و سایر ادیان شرقی را در شعر خود به کار می‌گیرد. نوشتار حاضر در سه بخش بهره‌گیری هدفمند شاعر از تاریخ، ادبیات، و مذهب ایران و تلاش وی در جهت انطباق آن با چالش‌های روز

1. Thomas Moore (1779-1852)
2. George Gordon, Lord Byron (1788-1824)
3. Edward Said (1935-2003)

جامعه ایرلند را در شعر لاله رخ بررسی می‌نماید.

۱. اشخاص و وقایع تاریخی

مور در انتخاب شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی، گزیده عمل می‌نماید و در هر نمونه شرقی به دنبال درون مایه‌ای مشترک و قابل تجویز برای جامعه خویش است و از این روست که «مریلین باتلر، از معدود منتقدین مدرنی که جنبه سیاسی اثر مور را ستوده است، داستان‌های لاله رخ را حکایت امپریالیسم معاصر می‌نامد» (ویل، ۲۰۰۵: ۱). شاعر جوان در طی سفر چهار داستان روایت می‌کند: «پیامبر نقاب‌دار خراسان» که اشاره‌ای است به واقعه قیام مقنع در خراسان، «بهشت و پری» که شرح حال تلاش یک پری جهت کسب اجازه بازگشت به بهشت است، «آتش پرستان»، حکایت رومئو و ژولیت وار دلدادگی دو جوان از دو خانواده متخاصم یکی مسلمان و دیگری زردشتی، و «روشنایی حرم»، داستان نورمحل همسر سلطان سلیم که در لباس مبدل در بزم او عود می‌نوازد و آواز می‌خواند. از این میان داستان اول و سوم به لحاظ شخصیت پردازی و جنبه سیاسی - اجتماعی درون مایه‌شان اهمیتی دوچندان می‌یابند.

۱-۱. شخصیت پردازی‌های دوگانه و واقعه نگاری تاریخی در لاله رخ

توماس مور چهارچوب اصلی اثر خود را بر لاله رخ و سفر وی بنا می‌کند. لاله رخ، فرامرزا^۲ و فضل‌الدین^۳ پیشکار اعظم، سه شخصیت اصلی داستان را شکل می‌دهند. در قرون هجده و نوزده میلادی ذائقه اروپاییان طالب آگاهی و کشف ناشناخته‌ها - در تمام

1. Lalla Rookh
3. Fadladeen

2. Feramorz

زمینه‌های علمی، ادبی، سیاسی و فلسفی - بود. ادبیات و مطالعه آن به تدریج از انحصار مردان خارج شده بود و علاوه بر زنان طبقه اشراف، زنان طبقه متوسط جامعه نیز اشتیاق فراوانی برای مطالعات ادبی و ماجراجویی نشان می‌دادند. لاله رخ بانویی است بی تجربه و تنوع طلب. «او که جوان، توانگر و سرشار از عواطف است نمایانگر همین خوانندگان (زن) عصر ویکتوریا است که مور سعی دارد آن هارا تهییج و ترغیب نماید» (ویل، ۲۰۰۵: ۲). در مقابل، فرامرز شاعر جوانی است که آواز خوشش را به نوای سازش گره می‌زند و از داستان‌های کهن ایرانی، وطن پرستی، قیام، آزادی و دلدادگی می‌گوید و شه دخت جوان را مسحور خویش می‌سازد. او از یک سو تداعی گر سنت کهن خنیاگری و رامشگری در ایران است و از سوی دیگر، تصویری است واضح از خالق اثر توماس مور که شیفته داستان‌های کهن ایرلندی بود و به واسطه صدای خوشی که از مادر به ارث برده بود شعر و موسیقی و نمایش را در هم می‌آمیخت. انتخاب نام فرامرز برای شاعر جوان که در متن اصلی فرامرز تلفظ می‌گردد گزینش زیرکانه نامی است که در عین فارسی بودن، «نام خانوادگی نویسنده [مور] را نیز در خود دارد» (همان). در کنار آن توجه به این نکته که وی در سفر بانوی جوان گذشته از سرگرم کردن او نقش فردی دانا و روشنگر را ایفا می‌کند، این نکته را آشکار می‌سازد که شخصیت شاعر در داستان قربت و شباهت بسیار به شاعر اثر دارد. پیچیدگی شخصیت فرامرز آن جا آشکار می‌شود که لاله رخ در انتهای سفر در می‌یابد که او همانا همسر آینده وی و سلطان بخاراست (مور، ۱۸۱۷: ۳۴۴). فضل الدین یا پیشکار اعظم تنها مقام بلندپایه‌ای که در رکاب بانوی جوان سفر می‌کند، فردی است وسواسی و ایرادگیر که درباره همه چیز قضاوت می‌کند، «از ترکیب گلاب گرفته تا سرایش اشعار حماسی» (همان، ۴)؛ او رقص را شنیع می‌شمرد و خنیاگری را ناپسند. فضل الدین تمثالی است از «جامعه محافظه کار انگلیس و منتقدین ادبی معاصر شاعر نظیر فرانسیس جفری»^۱ (ویل، ۲۰۰۵: ۲)

1. Francis Jeffrey

در نشریاتی چون ادینبورو و بلک وود^۱.

از جمله آثار مهمی که مور از آن‌ها یاد می‌کند و در توصیف دقیق مکان‌های خاص، ویژگی‌های جغرافیایی، آداب و رسوم شرقی و رخدادهای تاریخی به کمک وی می‌آیند می‌توان به صورت‌الارض این حوقل بازرگان، سیاح معروف و جغرافی‌دان عرب و نیز سفرنامه جیمز موریه^۲ و کتاب‌شناسی شرقی^۳ اثر بارتلمی هربلو^۴ شرق شناس فرانسوی اشاره کرد. کتاب بارتلمی فرهنگ گسترده‌ای بود از همه جنبه‌های معارف موجود در منابع عربی، فارسی و ترکی که به سال ۱۶۹۷ میلادی و پس از مرگ وی انتشار یافت و به مدت بیش از یک قرن، منبع مهم شرق‌شناسی اروپاییان محسوب می‌شد و از پی نوشت‌های فراوانی که مور در حاشیه اثر خود ارائه می‌دهد پیداست که این کتاب یکی از منابع اصلی وی در مطالعه جهان شرق و نیز آشنایی با واقعه قیام مقنع در خراسان است. واقعه قیام مقنع در کتب تاریخی بسیار روایت گردیده است. از آن جمله در تاریخ بخارا تألیف ابوبکر محمد بن جعفر نرسخی می‌خوانیم:

«مقنع مردی بود از اهل روستای مرو از دیه‌ای که آن را کازه خوانند و نام او هاشم بن حکیم بود و وی در اول کازرگری کردی و بعد از آن به علم آموختن مشغول شدی و مشعبدی و علم نیرنجات و طلسمات بیاموخت و شعبده نیک دانسته دعوی نبوت نیز می‌کرد و مهدی بن منصور هلاک کرد در سنه صد و شصت و هفت از هجرت... و او را مقنع بدان خوانده‌اند که سر و روی خویش پوشیده داشتی از آن که به غایت زشت بود (و) سرش کل بود و یک چشمش کور بود و پیوسته مقنعه سبز بر سر و روی داشتی» (نرسخی، ۷۷).

۱. Blackwood's و Edinburgh Review از جمله تاثیر گذارترین نشریات انگلیس در قرن نوزده که به خاطر چاپ مقالات شدیداً انتقادی شهرت یافتند.

2. James Justinian Morier (1780-1849)

3. Bibliothèque Orientale

4. Barthélemy d'Herbelot (1625-1695)

۵. در تاریخ طبری سال هلاکت مقنع ۱۶۳ هجری ذکر گردیده است: «سخن از خیر حوادثی که به سال صد و شصت و سوم بود. از جمله حوادث این سال هلاکت مقنع بود که سعید حرشی وی را در کش محاصره کرد و چون هلاکت را نزدیک دید زهر خورد و زنان و کسان خویش را نیز زهر خوراند و بمرد» (طبری، ۱۳۵۴: ۵۱۱۱).

مور روایت داستان نخست را با توصیف مقنع آغاز می‌کند: «بر سیمای وی نقابی نقره گون آویخته است تا دیدگان موجودات فانی از درخشش صورت وی در امان باشند» (مور، ۱۸۱۷: ۱۰) و در ادامه داستان به شرح حال مقنع و عقاید وی و پیروانش می‌پردازد و به این مطلب اشاره می‌نماید که آنان در صدد احیای آیین و سنن خود و مبارزه با خلیفه‌اند و «به نشانه نفرت از خلفای عباسی سیاه‌پوش، جامه سپید بر تن می‌کنند» (همان). «قهرمان داستان مور تصویری است جهانی که نمایانگر هردو سوی آشکار و نهان استبداد است» (شرف‌الدین، ۱۹۹۶: ۱۴۳) او از جهل زبردستانش سود برده و موقعیت سیاسی خویش را مستحکم نموده است.

«آتش پرستان» که سومین روایت شاعر است، داستانی است که کلیت آن ریشه و پیشینه تاریخی دارد و روایتگر گروهی از گبرها و آتش پرستان ایرانی قرن هفتم است که با فاتحان عرب سرزمین خویش در جدالند. در داستان مور ایرانیان زیر سلطه امیر الحسن به سر می‌برند و حافد^۱ فرمانده پارسیان که جوانی است زردشت مذهب شیفته هیندا^۲ دختر خلیفه عرب می‌گردد. داستان از یک سو به عداوت خانواده‌های کاپولت^۳ و مونتآگیو^۴ در نمایشنامه رومئو و ژولت شکسپیر^۵ نزدیک است و از سوی دیگر حاوی درون مایه‌ای سیاسی و اخلاقی است برای خواننده ایرلندی استعمار شده. مور در شرح گبرهای ایرانی چنین می‌نویسد: «گبرها، ساکنان اصلی سرزمین پارس که بر حفظ باورهای کهن خویش و مذهب زردشت پای فشردند، پس از فتح کشور توسط اعراب یا در سرزمین خود تحت آزار قرار گرفتند یا مجبور به ترک دیار گشتند» (مور، ۱۸۱۷: ۹۱)

- | | |
|--|--------------|
| 1. Hafed | 2. Hinda |
| 3. Capulet | 4. Montagues |
| 5. Romeo and Juliet by W.Shakespeare (1564-1616) | |

۱-۲. تطبیق شخصیت‌های ملی و مبارزات تاریخی ایران و ایرلند

ادوارد سعید در بسط نظریه شرق شناسی مفهومی با عنوان «موقعیت استراتژیک»^۱ نویسنده را طرح می‌نماید که عبارت است «از روشی در تبیین موضع نویسنده یک اثر در متن، نسبت به دستمایه های شرقی‌ای که نویسنده درباره آن می‌نویسد» (سعید، ۲۰۰۳: ۲۰). دوگانگی شرقی-غربی شخصیت‌های لاله رخ، حضور شخصیت «شاعر» که خود نگاره ای است از شاعر اثر و تعمد مور در همسان جلوه دادن رویدادهای تاریخی دو ملت در واقع نشانگر همین موقعیت استراتژیک نویسنده اثر است.

مور از داستان مقنع به چند منظور بهره می‌جوید؛ نخست آن که «مقنع داعیه ایران پرستی داشت و تعالیم وی بر پایه آرا و اندیشه‌های مزدکیان بنیاد یافته بود. او پیروان خود را به مبارزه گسترده با نابرابری سیاسی و اقتصادی خلفای عرب فرا می‌خواند. سبب عمده پذیرش اندیشه‌های او به علت از بین بردن نابرابری‌ها و سیادت تازیان بود» (تابان، ۱۳۶۸: ۵۴۶). شاعر نیز در همین راستا از قیام مقنع علیه اعراب مهاجم که بزرگ‌ترین شورش روستایی قرن دوم هجری است سود جسته و آن را به عنوان الگوی میهن پرستی به مخاطب ایرلندی تحت استعمار ارایه می‌نماید و در عین حال با تغییراتی در متن واقعه، رنگ و بوی غربی بدان می‌بخشد؛ از جمله آن که با افزودن قهرمانی به نام عظیم که سال‌ها در اسارت یونانیان به سر می‌برده (و محبوب پیشین وی هم اینک ساکن حرمسرای مقنع است) و توصیف شکوه و صلابت یونان، می‌کوشد تا همسو با دیگر شعرای رمانتیک، فضایی برای ذائقه ادبی اروپای قرن نوزدهم و احیای سنن یونان باستان و از آن جمله هلنیسم یا یونانی مآبی باز کند. «فصل مشترک تمام انواع هلنیسم در ادبیات رمانتیک علاقه به یونان و یا یک الگوی یونانی و تمایل برای تطبیق آن با مقاصد روز است» (وب، ۱۹۹۳: ۱۵۰) و شعر لاله رخ

1. Strategic Location

نیز به واسطه حضور قهرمانی به نام عظیم، تمایلات مشابهی را آشکار می‌سازد. دوم آن که داستان پیامبر نقاب‌دار تمثیلی است از استبداد و انقلاب و آشکارا «واکنش مور در مقابل انقلاب فرانسه و جنگ‌های ناپلئون را به تصویر می‌کشد. چون دیگر آزادی خواهان، مور انحطاط وعده‌های دموکراتیک و تساوی حقوق انقلاب فرانسه و ظهور وحشت و اغتشاش را در می‌یابد» (ویل، ۲۰۰۵: ۶). به بیان منتقدین ادبی چون مریلین باتلر علاوه بر تشابهات میهن‌پرستانه ایران و ایرلند، شباهت محسوسی نیز میان مقنع، پیامبر دروغین، و ناپلئون پیداست؛ گرچه منتقدین دیگری چون شرف الدین بر این باورند که مور در این مورد (تشابه مقنع و ناپلئون) از نوعی ایهام‌گویی بهره گرفته است تا از تعصبات خوانندگان و فشار سیاسی جامعه مصون بماند. «مقنع و ناپلئون هر دو از زیرکی سیاسی و نظامی بهره می‌برند. ناپلئون ماحصل انقلاب فرانسه و تفکر آزادی خواهی ست و به نام همین آرمان‌های جدید راه بر قدرت طلبی خود می‌گشاید. مقنع نیز در پی قیام‌های پی در پی ایرانیان علیه اعراب مجال ظهور و سلطه می‌یابد» (شرف الدین، ۱۹۹۶: ۵-۱۶۴).

سومین بعد داستان مقنع به روایت مور، اشاره شاعر به حرmsرای دربار مقنع و بی بند و باری‌های اخلاقی وی و پیروان اوست. «مقنع در روابط جنسی آزادی مطلق قائل بود و همه اعمالی را که دین اسلام حرام شمرده بود جایز می‌شمرد و توصیه می‌کرد که رعایت حلال یا حرام مذهبی را نکنند» (تابان، ۱۳۶۸: ۵۴۶). مور زنان حرmsرای مقنع را به دوشیزگان بهشتی مانند می‌کند و در وصف تنوع بانوان حرم چنین می‌سراید:

از هر نژاد زیبای روی زمین،
از آنان که در برابر برهما زانو می‌زنند،
تا حوریان پرنشاط کوه‌های یمن؛
از دیدگان درخشان آهووش پارسی،

تا دیدگان نیم بسته ختای،

از شکوفه‌های گرجستان و تبسم‌های سرزمین سبا،

و طره‌های طلایی جزایر غرب،

هر سرزمینی گلی اهدا کرده بود

تا آن گلخانه جوان و زیبا در بهشت ساخته شود. (مور، ۱۸۱۷: ۱۲)

«توصیف مور از یک سو هجوی است بر بهشتی که در باورهای اسلامی بدان پرداخته می‌شود و از سوی دیگر بیان کنایه آمیزی از استبداد سیاسی مقنع» (پیرنجم الدین، ۲۰۰۲: ۱۳۹). گویی مقنع درصدد است بهشتی را که خداوند به مؤمنان وعده داده است، با همان حوریان دل انگیز و اشربه گوارا و آرامش بی انتها، بر زمین بیافریند تا اسلام را از طریق اسلام به نابودی کشاند برجستگی شخصیت مقنع نیز در همین جاست؛ «او از ابزارهای دین برای نابودی اهداف دین بهره می‌گیرد» (شرف الدین، ۱۹۹۶: ۱۴۶). در نگاهی دیگر، پاسخ این سوال که چرا شاعر این بخش از زندگی مقنع و بی‌قیدی اخلاقی وی را برجسته می‌سازد شاید در نظریه شرق شناسی ادوارد سعید نهفته باشد که باور دارد «شرق به اروپا (و یا غرب) کمک کرده که خود را از نظر شکل، شخصیت، و تجربه به صورت نقطه مقابل شرق تعریف کند» (سعید، ۲۰۰۳: ۲-۱). «غربیان عموماً باور داشتند که در حال و هوای شرقی عشق ساده‌تر، شهوانی‌تر و جسمانی‌تر است و چند همسری اسلامی و وجود حرمسراهای درباری بدین باور قوت می‌بخشید» (شرف الدین ۱۹۹۶: ۴-۱۸۳). مور نیز چون سایر نویسندگان غربی در تلاش است تا با بهره‌گیری از شرق، برجسته‌سازی و گاه اغراق در مسایل غیراخلاقی، غرب را به صورت نقطه مقابل شرق توصیف کرده و در تربیت اخلاقی خواننده غربی بکوشد.

استبداد و مبارزه با آن، بخش عظیمی از لاله رخ را به خود اختصاص می‌دهد. علاوه بر داستان مقنع، «آتش پرستان» نیز به مفهوم مبارزه با جور مهاجمان و اشغالگران می‌پردازد،

اما به شیوه‌ای متفاوت. «در «پیامبر نقاب‌دار خراسان» تأکید عمده بر ستمگر و متعاقباً کنکاشی چند لایه در ماهیت و ریشه استبداد است. حال آن که در داستان «آتش پرستان» توجه اصلی بر ستم‌دیده است» (همان، ص ۱۶۹). اگر مور در جستجوی نظیری برای قیام آزادی خواهی ایرلند است، چرا آن را در ایران می‌جوید؟ به آسانی می‌توان سایه آشکاری از قیام‌های استقلال‌طلبانه ایرلند را در مبارزات بی انجام گبرها یافت. «توماس مور در مقدمه‌ای که به سال ۱۸۲۰ نوشت، به دشواری پیش روی خود برای آغاز لاله رخ اشاره کرد. نوشتن چیزی برای یک ایرلندی میهن پرست و مخاطب کاتولیک و نیز مخاطب ادبیات رمانتیک شرقی، بسیار دشوار به نظر می‌رسید. اما زمانی که او مسیری تمثیلی یافت تا تنش‌های ایرلند را تصویر کند، نگارش اثر خویش را آغاز کرد:

اما بالاخره و البته خوشبختانه، پس از یافتن داستانی درباره کشمکش سختی که مدت‌ها میان گبرها، آتش پرستان پارسی، و اربابان مسلمان متکبرشان در جریان بود، ایده‌ای به نظرم رسید. از آن لحظه علاقه جدید و عمیقی وجود مرا در بر گرفت. موضوع استقامت ایرلند بار دیگر برایم درون مایه‌ای الهام بخش شد.» (نون، ۲۰۰۴: ۱۵۷)

مور فاقد هرگونه تجربه شخصی فرهنگ شرق بود و «بایرون توجه او را به زمینه‌های فرهنگی و مشکلات مذهبی و سیاسی پیش روی هم میهنانش جلب نمود که می‌توانستند در خلق اثری شرقی به کار گرفته شوند» (گرگوری، ۲۰۰۶: ۲). داستان مبارزات ایرانیان نیز مجالی برای مور می‌آفریند تا یاد مبارزان ایرلندی را عزیز دارد. رابرت امت^۱ یکی از رهبران میهن پرست و ملی گرای ایرلند بود که قیام بی فرجامی را بر علیه نیروهای انگلیس در سال ۱۸۰۳ رهبری کرد. رابرت شیفته سارا کوران^۲ دختر یک وکیل ایرلندی بود. پس از آن که عشق آن دو بر پدر سارا آشکار گردید و از نامزدی پنهان آن دو تن مطلع شد، به شدت با رابرت جوان و انقلابی مخالفت ورزید چرا که او را شایسته دختر خود نمی‌دید. عشق سارا و

1. Robert Emmet (1778-1803)

2. arah Curran

رابرت انجرامی نداشت؛ سارا از منزل گریخت و تن به ازدواج با فرد دیگری داد و رابرت پس از دستگیری توسط نیروهای بریتانیا به جرم خیانت اعدام شد.

مور در تاریخ ایران نظایر فراوانی برای وقایع سیاسی زمانه خویش می‌یابد؛ شخصیت فرمانده پارسیان در داستان «آتش پرستان» به تعبیری تصویری است ایرانی مرکب از اشخاص حقیقی و سردارانی چون مهران، هرمزان، فیروزان، بهمن جازویه، رستم فرخزاد و دیگر سپه سالاران ایرانی که از ابتدای استیلای اعراب برای بقای آیین و سرزمین خود مبارزه می‌کردند و از سویی دیگر در آرمان خواهی، بیگانه ستیزی، ناکامی، و خیانت پیروانش بسیار شبیه به امت، رهبر مبارز قیام ایرلند است. «مور در کالج ترینیتی دوبلین از دوستان امت به شمار می‌رفت و از شرکت در تفحصی که به اخراج امت به ظن شرکت در فعالیت‌های توطئه‌آمیز انجامید سر باز زد. گرچه مور مستقیماً شرکتی در فعالیت‌های سیاسی نداشت اما مرگ امت به شدت او را تحت تأثیر قرار داد» (گرگوری، ۲۰۰۶: ۶). در داستان «آتش پرستان» «حافظ رابرت امت ایرانی، هیندا سارا کوران بخت برگشته و فرد خائن ترکیبی از جاسوسان دولتی هستند» (ویل، ۲۰۰۵: ۲۱). فرمانده زردشتی سرزمین خویش را نه سرزمین پارس، که ایران می‌خواند. «واژه‌ای که ایران و ایرلند را نزدیک‌تر می‌کند و به ارین (Erin)، نام قدیم سرزمین ایرلند که مور در ملودی‌های ایرلند از آن مکرراً استفاده می‌کند، بسیار شبیه است» (پیرنجم‌الدین، ۲۰۰۲: ۱۲۷). این داستان «حکایت مقاومت ایرلند در برابر انگلیس است که مور ناگزیر از نوشتن آن بود، اما به تمثیل، تا از مجازات یا سانسور شدید در امان بماند» (ویل، ۲۰۰۵: ۱۹) صحنه‌های پایانی داستان و «آخرین ایستادگی‌های مبارزان زردشتی که در استحکامات خود در کوه‌ها پناه گرفته‌اند یادآور مبارزان ایرلندی است که در شورش

۱۷۹۸ پس از شکست نیروهای اصلی در کوه‌های ویکلو^۱ در وکسفورد^۲ پناه گرفته بودند» (همان، ص ۲۷).

۲. اساطیر و ادبیات فارسی

توماس مور در آفرینش لاله رخ بر تاریخ و آیین و سنن چهار فرهنگ شرقی - هندی، چینی، عربی و فارسی - متمرکز می‌شود که هر یک به طریقی مجالی برای عرضه و معرفی به خواننده غربی می‌بایند؛ اما چون به ادبیات شرق می‌رسد، ادبیات عرب و ادبیات فارسی هستند که گوی سبقت از هند و ماچین می‌ربایند و صد البته در این میان برتری مطلق از آن ادبیات فارسی است. آن چه مور از ادبیات عرب وام می‌گیرد از مجموعه معلقات - شامل قصایدی از شعرای فصیح و بلیغ عرب - و اشعاری از عمرو بن کلثوم التغلبی (مور، ۱۸۱۷: ۱۱ و ۲۰۴) و زهیر بن ابی سلمی المزنی است (همان، ص ۳). از سوی دیگر لاله رخ مملو است از ردپای آشکار و نهان ادب فارسی. مور به سلاست فردوسی، حلاوت حافظ و ذکاوت و اندرزگویی سعدی معترف است (همان، ص ۱۲۷) و به فراوانی از آثار آنان به ویژه سعدی و فردوسی یاد می‌کند.

۲-۱. تجلی اساطیر ایرانی و متون ادبی فارسی در لاله رخ

شیوه پیشبرد داستان‌ها و وقایع در لاله رخ بسیار نزدیک به داستان‌های شرقی و ایرانی است. مور در اروپایی زندگی می‌کند که «به لطف ترجمه فرانسوی آنتوان گلدن^۳ از آغاز قرن هجدهم (۱۷۰۴ م.) با داستان‌های هزار و یک شب آشنا گردیده است» (حسن، ۱۹۹۱: ۲).

1. Wicklow Mountains
3. Antoine Galland

2. County Wexford

«لاله رخ متأثر از داستان‌های عربی [هزار و یک شب] است» (همان، ص ۳۵). شیوه داستان سرایی فرامرز نیز قصه گویی شهرزاد و داستان‌های هزار و یک شب را تداعی می‌کند؛ لاله رخ گاه چنان از داستان‌های فرامرز متأثر می‌شود که تصمیم می‌گیرد گوش به قصه‌های وی نسپارد ولی تاب نمی‌آورد و دل به داستان دیگری می‌دهد.

اسامی عشاق نامدار، زنان زیبا، نمادها و اساطیر ایرانی در لاله رخ به وفور تکرار می‌شوند؛ زیبایی لیلا و شیرین (۱)، عشق وامق و عذرا (۶)، زال سپید موی و محبوب وی رودابه (همان)، نبرد رستم و دیو سپید (همان)، جام جمشید (۱۳۶) و ققنوس که بستر مرگ خویش را فراهم می‌سازد (۱۴۹) و پرش زینت کلاه‌خود تهمورث می‌شود (۲۰۵)، در جای جای شعر بلند مور پدیدار می‌گردند. از میان داستان‌های شاهنامه، مور اشارتی به درفش کاویانی و تقابل کاوه آهنگر و ضحاک نموده (۱۲۷) و از تهمورث و نبرد وی با دیوان نیز یاد می‌کند (۲۰۵)؛ در شاهنامه و بعضی مأخذ دیگر، تهمورث به دیوبند ملقب است. گر چه این لقب در اوستا نیست، ولی منشأ آن اوستاست، زیرا بنا بر اشارات اوستایی، تهمورث بر سراسر دیوان جهان تسلط یافت و اهریمن را مقید و مرکوب خود ساخت (صفا، ۱۳۷۹: ۴۲۰).

اساطیر فارسی جایگاه ویژه‌ای در اثر مور پیدا می‌کنند. شاعر در داستان «بهشت و پری» به سیمرغ و باور ایرانیان در خصوص این پرنده اساطیری می‌پردازد:

«شرقیان بر این باورند که سیمرغ پنجاه سوراخ بر منقار خویش دارد... پس از هزار سال چون مرگش فرا می‌رسد پشته‌ای فراهم می‌سازد و پنجاه نغمه مختلف سر می‌دهد ... بال‌هایش را به سرعت برهم می‌زند و آتشی پدید می‌آورد که خویش را در آن می‌سوزاند» (مور، ۱۸۱۷: ۱۴۹).

مور عین واژه فارسی پری را در متن به کار می‌برد و از ارائه معادلی انگلیسی برای آن پرهیز می‌کند؛ چرا که پیش‌تر «پری» به عنوان یک شخصیت اساطیری فارسی - و هویتی متفاوت با الهگان روم و یونان - در ادبیات اروپا وارد شده و در خلق آثار فراوانی منبع الهام

شاعران و نویسندگان گشته بود و به لطف دایرةالمعارفی چون پنتولوژیا^۱ شرحی از اساطیر شرقی و ایرانی در اختیار خوانندگان غربی قرار داشت. «سر وال تر اسکات^۲ نیز بر این باور بود که واژه انگلیسی Fairy به معنی پری، در اصل معرب همان واژه فارسی پری [فری] است که بدین شکل وارد زبان انگلیسی گشته است» (بل، ۱۸۲۸: ج ۷، ۱۰۳).

در آغاز داستان «روشنایی حرم» مور در توصیف نورمحل همسر سلطان سلیم نشاط و سرزندگی او را به نشاط پریان تازه از قفس رهیده مانند می کند (مور، ۱۸۱۷: ۳۰۳). «در اسطوره شناسی فارسی پری موجودی ماوراءالطبیعه، زیبا و مطبوع است شبیه به حوری یا فرشته؛ پریان نتیجه وصلت موجودی فانی و یک فرشته هبوط یافته و از بهشت رانده شده‌اند» (اسمی‌تر، ۲۰۰۰: ۱۸۸). «در اساطیر فارسی جهان پیش‌تر منزلگاه دیوان و پریان بود و پریان، زیباروی و نیک‌خواه توصیف گشته‌اند. پریان و دیوان همواره در جنگی بی پایانند و هرگاه دیوان یکی از پریان را اسیر می‌کنند، آن‌ها را در قفس‌های آهنین از درختان بلند می‌آویزند تا در معرض بادهای سرد و انظار دیگران قرار گیرند» (گود، گرگوری، باث ورت، ۱۸۱۳: ۳۲۵). دیوان و پریان خود را از افسانه‌های فارسی تا متون اسطوره شناسی اروپا می‌کشاند و بخش قابل توجهی از شعر شاعری ایرلندی را به خود اختصاص می‌دهند. گرچه در این سیر گاه تحریفات و تغییرات فراوان روی می‌دهد اما در مواردی نیز جزئیات، نام‌ها و مکان‌های خیالی داستان‌ها نیز به اروپا می‌رسند. در انتهای داستان «بهشت و پری» چون پری اذن دخول می‌یابد از شادی فریاد بر می‌آورد:

سرور، سروری ابدی! وظیفه‌ام به انجام رسیده است

از دروازه‌ها گذشته‌ام و بهشت از آنم گردیده است

۱. Pantologia دایرةالمعارفی ۱۲ جلدی که بین سال‌های ۱۸۰۸ تا ۱۸۱۳ در انگلیس چاپ شد

و اغلب موضوعات علمی، ادبی، هنری و فرهنگ لغات را شامل می‌شد.

2. Sir Walter Scott (1771-1832)

آیا شاد نیستیم؟ آری، آری، بسی شادم.

در برابر تو ای باغ عدن چه تاریک و دلگیر می‌نمایند

الماس‌های مناره‌های شادکام

و روایح مطبوع باغ‌های عنبرستان (مور، ۱۸۱۷: ۱۵۹)

شادکام و عنبرستان چنان که مور در پی نوشت خود اشاره می‌کند از شهرهای جنستان محسوب می‌شوند. آن گونه که در اسطوره‌شناسی پریان می‌خوانیم «جنستان چندین قلمرو را شامل می‌گشت که ایالات و ولایات فراوان داشتند. از این روی در تقسیمات پریان با ولایت باشکوه شادکام (عیش و شادی) و مرکز آن گوهر آباد (شهر جواهر) روبرو می‌شویم. عنبر آباد نیز شهری است که به همان اندازه از فر و شکوه بهره می‌برد و اهریمن آباد بزرگ‌ترین شهر دیوان است» (کیتلی، ۱۸۳۳: ۲۹).

گذشته از اساطیر تلمیحات مور به اشعار پارسی نیز بسیار است. او تاکتیک‌های مدیریتی را که سعدی بدان اشاره می‌کند برای پردازش شخصیت فضل‌الدین به کار می‌بندد. سعدی «بیان می‌دارد که عاقل چون در جمع دردمسری مشاهده کند، کناره‌گیری می‌کند و هرگاه صلح و دوستی و خوشی در میان باشد، می‌ماند و خود را نشان می‌دهد که من هم در آن کار مطلوب مشارکت داشتم. به عبارت دیگر، در هنگام سختی و دردمسری، در حاشیه بودن، سلامت می‌آورد» (نصر اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۹۹). آن جا که مور فضل‌الدین را معرفی می‌کند در توصیف سیاست و کیاست وی اظهار می‌دارد که شیوه وی در سیاست چنان بود که «به فرموده سعدی اگر سلطان در میانه روز ادعا می‌کرد شب است وی بالادرنگ پاسخ می‌داد که آری ماه و ستارگان نیز هم اینک آشکارند» (مور، ۱۸۱۷: ۴). اشاره مور به بیتی است که سعدی در حکایتی از گلستان آورده است:

وزرای نوشیروان در مهمی از مصالح مملکت اندیشه همی کردند و هر یک رائی همی زدند

و ملک همچنین تدبیری اندیشه کرد، بزرگ مهر را رای ملک اختیار آمد وزیران در نهانش گفتند: رای ملک را چه مزیت دیدی بر فکر چندین حکیم گفت: به موجب آنکه انجام کار معلوم نیست و رای همگان در مشت است که صواب آید یا خطا پس موافقت رای ملک اولی تر است تا اگر خلاف صواب آید به علت متابعت او از معابعت ایمن باشم.

خلاف رای سلطان رای جستن به خون خویش باشد دست شستن
اگر خود روز را گوید: شب است این بیاید گفتن آنک ماه و پروین

(گلستان سعدی، باب اول)

سعدی به نیکی می‌داند که چگونه تلخ و شیرین و زشت و زیبای جهان را در کنار هم بنشانند. راست نمایی سعدی نیز در بخش دیگری از داستان به کار شاعر می‌آید. «هنری که به نوعی مشکلات زندگی را در کنار زیبایی‌های آن متبلور می‌کند، با نشان دادن تمامی عناصر خوب و بد آن، هنری راست نما است. بنا بر این، شکیبایی و خویشتن داری و پایداری در برابر رنج و خوگیری با طبیعت و استفاده از زیبایی آن، نوعی مقابله با زندگی با روشی منطقی و اصولی است... هنرمند می‌تواند این همه تضاد را کنار هم بیاورد و نتیجه سازشکارانه و هدمندانه برای زندگی تصویر کند» (احمد سلطانی، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۳). مور نیز از تضاد زیبای شعر سعدی و بهره‌گیری هوشمندانه وی از طبیعت استفاده می‌کند؛ او به بیتی از سعدی که پیرامون حوضی نقش گردیده اشاره می‌نماید و با بیان این که چگونه زیبایی و اندوه پنهان در شعر، لاله رخ را متأثر و او را به زیبایی شعر واقف می‌کند، سعدی را می‌ستاید (مور، ۱۸۱۷، ۱۳۰). بیت مورد نظر وی بیتی است از بوستان:

برین چشمه چون ما بسی دم زدند برفتند چون چشم بر هم زدند

(بوستان سعدی، باب اول)

در داستان آتش پرستان مور شیفتگی و هیجان هیندا در پی شنیدن صدای محبوبش و نقاب گشودن وی را به بی‌تابی گلی مانند می‌کند که از شنیدن نوای بلبل مشعوف گشته

است و در شرح کوتاهی که بر این توصیف می‌نویسد، اذعان می‌دارد که چنین تجسمی از تشبیهات رایج شعر شرقی است و از آن جمله اشاره‌ای به جامی می‌کند (همان، ص ۲۴۳). قبا گشودن گل در برابر نوای بلبل تصویری است که جامی در هفت اورنگ و در بخش پنجم تحفه الاحرار ترسیم می‌کند:

بلبل نالنده به دیدار گل پرده گشا گشته ز اسرار گل

(تحفه الاحرار، در آفرینش عالم)

در جای دیگری از همان داستان مور اشاره‌ای به شاهنامه فردوسی می‌کند و ملاقات دو دلداده جوان داستان را با تصاویری از ملاقات شبانه زال و رودابه در هم می‌آمیزد:

داماد با طره سپید موهایش

با چهره‌ای گلگون از عشق و غرور

بر ایوان عروس خود آویخت؛

عروس چون تقلائی جسورانه‌اش را دید

و او را در خطر یافت

گیسوان بلند سیاه رنگ خویش را به سویش انداخت

و نفس زنان فریاد برآورد: ازین سو عشق من، ازین سو. (همان، ص ۱۸۳)

۲-۲. تطبیق اساطیر و ادبیات ایرانی و درون مایه‌های ایرلندی

مور به ارایه نمونه‌های فراوان تاریخ و ادب ایرانی در اثر خویش بسنده نکرده و پا فراتر می‌گذارد؛ او با آوردن واژگان فارسی به جای معادل انگلیسی آن‌ها - واژه‌هایی چون چنار، کوبه، گل ریزان، کلاه و سراب - و تشریح معانی آن‌ها برای خواننده غربی سعی در القای تسلط و شناخت گسترده خویش بر جهان شرق و جلب اعتماد خواننده دارد. «فرد شرق

شناس، شاعر یا محقق، شرق را وادار به سخن گفتن می‌کند. او شرق را توصیف نموده و اسرار آن را بر غرب آشکار می‌سازد» (سعید، ۲۰۰۳: ۲۱-۲۰). گاه این توصیفات بیشتر از حقیقت وجودی شرق در ذهن خواننده رخنه می‌کنند؛ پدیده‌ای که سعید آن را «نگرش متنی»^۱ می‌خواند و در آن «کتاب یا متن حتی از واقعیتی که موضوع وصف آن است، اعتبار و کاربرد بیشتری پیدا می‌کند» (همان، ص ۹۳).

در آثار مستشرقان غربی اشخاص و رویدادهای جهان شرق بسته به دریافت و درخواست نویسنده حال و هوایی غربی می‌یابند. «هرکس که درباره شرق می‌نویسد ناگزیر از تعیین جایگاه خویش در برابر شرق است... جایگاهی که شامل نوع زبان، ساختار، تصویر پردازی، درون مایه و الگوهای مکرری است که در اثر راه می‌یابند» (همان، ص ۲۰). پری داستان مور گرچه تصویری اساطیری و ایرانی است، اما در خدمت مور و تلاش وی در جهت القای ارزش‌های جامعه او قرار می‌گیرد. پری در تقلاي ورود به بهشت است و قطره‌ای از خون شهیدی را فراهم می‌آورد، به امید آن که مجوز ورود او به بهشت باشد. گرچه این امر میسر نمی‌گردد اما فرشته نگهبان دروازه بهشت قطره را دریافت می‌کند:

تهنیت‌های ما بر آن دلاور باد
که جان بر سر سرزمین خویش بنهاد

(مور، ۱۸۱۷: ۱۴۰)

«این ابیات که طنین صدای مور در شعر ملودی‌های ایرلند هستند، در حقیقت شهادی راه استقلال ایرلند را تکریم می‌نمایند» (شرف الدین، ۱۹۹۶: ۱۷۱) دیگر داستان‌های ادبیات فارسی نیز بدان جهت در لاله رخ راه یافته‌اند که شاعر به مدد آن‌ها مفاهیم مورد نظر خویش را به گونه‌ای غیر مستقیم به خواننده غربی یا ایرلندی استعمار شده منتقل می‌سازد. نگاهی به برخی از داستان‌هایی که مور از شاهنامه نقل می‌کند این عناصر قابل ارایه را

1. Textual Attitude

آشکار می‌سازد: داستان کاوه آهنگر و قیام وی در برابر جور ضحاک، مبارزه رستم با دیو سپید و تسلط تهمورث دیو بند بر اهریمن همگی در یک عنصر مشترکند، مبارزه تا رهایی. در داستان «آتش پرستان» نیز «حافظ از زال و رستم یاد می‌کند و پیشینه اساطیری مبارزان سرزمین پارس را خاطرنشان می‌سازد» (پیرنجم‌الدین، ۲۰۰۲: ۱۲۷)

مفاهیم دینی و متون مذهبی

مور در نگارش اثر خویش و در پرداخت توصیفات و تشبیهات فراوان شعری، آمیزه‌ای از روایات دینی اسلامی، زردشتی، مسیحی، عبری و حتی آیین‌های هندو و بودا را به کار می‌بندد. با این حال آیین زردشت و اسلام دو قطب عمده مذهبی اثر را شکل می‌دهند. شاعر در مواجهه با اسلام رویکردی دوگانه پیش می‌گیرد؛ در داستان «پیامبر نقاب‌دار خراسان» مقنع را تهدیدی برای بقای اسلام می‌بیند و در «آتش پرستان» اسلام را تهدیدی برای آیین زردشت.

۳-۱. ارجاعات بینا متنی به متون مذهبی و باورهای اسلامی

مور از زردشتیان بیشتر با عنوان آتش پرستان یاد می‌کند و مسلمانان را اغلب محمدیان می‌خواند. به بیان وی گبرها یا همان آتش پرستان پارس آتشکده‌ای در شهر یزد دارند که آتش آن را از روزگار زردشت تا کنون افروخته نگاه داشته‌اند. «در مراسم گبرها که گرد آتش برگزار می‌گردد، «دارو» به آنان آب برای نوشیدن و برگ انار برای جویدن می‌دهد تا آن‌ها را از ناپاکی‌های درون پاک سازد و «مغ» بر فراز برج‌هایی بلند انواع خوراکی قرار می‌دهد؛ زیرا که باور بر این است پریان و ارواح دلاوران در گذشته شان از این خوراک لذت بهره‌مند می‌شوند» (مور، ۱۸۱۷: ۲۱۴)

ذکر مفاهیم اسلامی و آیات قرآن و احادیث و باورهای مسلمانان نیز اجتناب ناپذیر می‌نماید؛ آداب و آیین مسلمانان چون تکبیرگویی به نشانه تصدیق و شادمانی (۹۵) و اذان گویی و زیارت خوانی (۳۰۰) و باورهایی چون پرسش‌های قبر توسط فرشتگان مأمور (۲۴۹)، و به گردن آویختن آیه قرآن جهت دفع قضا و بلا (۲) مواردی هستند که مور به واسطه گزینش شرق و خصوصاً ایران برای روایت داستان خویش، ناگزیر از پرداختن به آن‌ها و ارایه توضیحات پی در پی برای خواننده غربی است. گلستان گشتن آتش نمرود بر ابراهیم (۲۶۱)، پرواز سریر سلیمان (۱۶)، خلقت انسان و نافرمانی ابلیس (همان)، درخشش صورت موسی به هنگام فرود از کوه طور (۱۰) نیز نمونه‌های دیگری از نگاه مور به سایر متون مذهبی و داستان‌های دینی مشترک میان ادیان مختلف است.

در تصویری که مور از مقنع ارایه می‌کند، او تجسمی است از ابلیس و آن‌جا که مقنع در گفت و گویی در خلوت خود بر حماقت آدمیان می‌خندد، نژاد انسان را پست می‌شمرد، خدای را به سخره می‌گیرد و مردم ضعیف و ملعون را بنده و شکار خود می‌خواند، شاعر آشکارا به قرآن تلمیح می‌کند (مور، ۱۸۱۷: ۵-۳۴). «ابلیس می‌تواند انسان‌ها را با وسوسه و اغواگری از راه به در کند و گمراه نماید» (اعراف آیه ۱۶ و ۱۷ و حجر آیه ۳۹ و ۴۰). «به نظر ابلیس جنس انسان از ماده بی ارزشی آفریده شده و بنابراین قابلیت آن را ندارد که مورد اطاعت و سجده قرار گیرد» (حجر آیه ۳۲ و ۳۳ و اسراء آیه ۶۱). در اشاره کوتاهی به جوهره انسان و سجده کروبیان بر وی، مور تصریح می‌کند که «عرش بر او سجده کرد به جز متکبر» (مور، ۱۸۱۷: ۱۶). که تلمیحی است به آیه شریفه ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾ «هنگامی که به ملائکه گفتیم به آدم سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس» (بقره: ۳۴). مور در پانوشته همان بخش علاوه بر اشاره به قرآن از ابلیس با نام لوسیفر^۱ یاد

1. Lucifer

می‌کند. لوسیفر علاوه بر آن که در اساطیر غرب به ستاره بامدادی اطلاق می‌شود، به اعتقاد مسیحیان و چنان که میلتون در بهشت گمشده بدان اشاره می‌کند، ذات اصلی و نام پیشین ابلیس پیش از هبوط است.

نیرنگ مقنع و برآوردن ماه از چاه نخشب و فریفتن مردم به واسطه آن نمونه دیگری است از فریب آدمیان، تقابل با اسلام و تقلیدی از معجزه شق القمر حضرت رسول. در داستان مقنع می‌خوانیم:

و در برابر دیدگان همگان گوی بزرگ ماه

از چاه مقدس نخشب بر می‌خیزد (مور، ۱۸۱۷: ۱۰۲)

«بزرگ‌ترین نیرنگ او (مقنع) ساختن ماهی جعلی بود که در شعرها بدان اشارت فراوان شده است، که با دستور او بر می‌خاست و فرو می‌نشست. این امر گویا چنین روی می‌نمود که کاسه‌ای سیماب را در ته چاهی می‌گذاشت و در مردم عامی که در نخشب به انبوه فراهم می‌آمدند تا معجزه را ببینند، اثری شگرف می‌کرد» (تابان، ۱۳۶۸: ۵-۵۴۶).

مور در توصیف ترس و رنگ پریدگی هیندا قهرمان زن داستان آتش پرستان، عنوان می‌کند که «هیندا چنان بی رنگ و روی و وحشت زده گشته بود که گویی فرشتگان کاوشگر قبر بر او ظاهر شده بودند» و در پی نوشتی به باور مسلمانان در خصوص دو فرشته مهیب با نام‌های نکیر و منکر اشاره می‌کند (مور، ۱۸۱۷: ۲۴۹). در اصول کافی می‌خوانیم:

«يَجِيءُ الْمَلَكَانِ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ إِلَى الْمَيِّتِ حِينَ يُدْفَنُ أَصَوَاتُهُمَا كَالرَّعْدِ الْقَاصِفِ وَ أَبْصَارُهُمَا كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ يَخْطَانِ الْأَرْضَ بَأْتِيَابِهِمَا وَ يَطَّانِ فِي شُعُورِهِمَا فَيَسْأَلَانِ الْمَيِّتَ مَنْ رَبُّكَ وَ مَا دِينُكَ... دو فرشته منکر و نکیر نزد میت در هنگامی که دفن می‌شود، می‌آیند؛ در حالی که صدای آن‌ها همانند رعد بلند آهنگ و چشمانشان همانند برقی سهمناک و خیره‌کننده است، در این حال زمین را با دندان‌های خود زیر و رو می‌کنند و موهای خود را می‌کشند؛

پس از میت می‌پرسند: پروردگار تو کیست؟ دین تو چیست؟» (کلینی، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۳۶)

مور شیرینی صدای قهرمان مرد داستان آتش پرستان را به نوای شیرین اسرافیل مانند می‌کند و در پی نوشت، او را «فرشته موسیقی» می‌خواند (مور، ۱۸۱۷: ۲۶۷). اسرافیل نام فرشته‌ای از ملائکه مقرب خداوند است که بیشترین شهرت او به نفع صور، به هنگام برپایی قیامت است. در قرآن کریم به نام اسرافیل تصریح نشده است و تنها در روایات، سخن از این فرشته به میان آمده است. در قرآن کریم از نفع صور، سخن به میان آمده ولی به نام دمنده در آن اشاره‌ای نشده است، اما روایات تفسیری، نام دمنده‌ی صور را که در هنگام برپایی قیامت صورت می‌پذیرد اسرافیل ذکر کرده‌اند و از آن جمله امام سجاد در سومین دعای خود از ادعیه صحیفه کامله سجاده می‌فرماید:

«وَإِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ الشَّخِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ وَ حُلُولَ الْأَمْرِ، فَيَنْبَهُ بِالنَّفْحَةِ صَرَغِي رَهَائِنِ الْقُبُورِ؛ و ای پروردگار! درود و تحیات خود را بفرست بر اسرافیل که دارای صور است، و چشم گشوده آماده است و در انتظار اذن و فرود آمدن فرمان توست؛ تا بدین وسیله افتادگان گرو قبرها را آگاه کند و بیدار و زنده گرداند».

۲-۳. تطبیق مبارزات مذهبی ایرانیان و چالش‌های دینی فرقه‌ای در ایرلند

مور در خلال داستان‌های لاله رخ به معرفی عقاید و باورهای مذهبی ایرانیان و نیز مسلمانان می‌پردازد. مفاهیمی که او بدان‌ها اشاره می‌کند گاه مشترکند و در جهت تقریب ادیان، و گاه تحریف شده و در راستای تقابل ادیان. مور در حاشیه داستان «آتش پرستان» به مفهوم مذهب و جنگ‌های عقیدتی می‌پردازد. او کیش زردشت را هم‌ردیف با مذهب کاتولیک و آیین اسلام را هم‌تراز مذهب پروتستان تصویر می‌کند و تلاش آتش پرستان پارسی جهت حفظ و احیای کیش زردشت را دست‌آویزی قرار می‌دهد برای شرح حال

ایرلندی‌های کاتولیکی که در استعمار انگلیسی‌های پروتستان قرار دارند. مور به عنوان یک مسیحی کاتولیک در فضایی زندگی می‌کرد که «کاتولیک‌ها هنوز بیم داشتند تا آزادانه مذهب خود را آشکار سازند. او برای تحصیل وارد محیطی شد که جو حاکم آن به شدت پروتستان بود و دوستان او به مذهب غالب ایمان داشتند» (گوین، ۲۰۰۸: ۸). «باور مور در تأیید استقلال ملی ایرلند و وجهه قانونی مذهب کاتولیسم بیش از همه در تمجید مقابله زردشتیان و اسلام متجلی می‌گردد» (پیرنجم‌الدین، ۲۰۰۲: ۱۲۵). «وقتی ذهن آدمی با آن چه شکل نوینی از زندگی است روبرو می‌شود - مثل ظهور اسلام در اذهان اروپاییان اواسط قرون وسطا - واکنش کلی آن محافظه‌کارانه و دفاعی است. در نتیجه چنین حکم می‌شود که اسلام روایت یا ترجمه تقلب آمیزی از تجربه پیشین است» (سعید، ۲۰۰۳: ۵۹). «تصریح مور در معرفی اسلام به عنوان یک «دین نورسیده» و تقابل آن با «تابش باستانی میترا» بیشتر چهره اسلام و پروتستانیسیم را موازی با یکدیگر و به عنوان تازه واردان عرصه معرفی می‌کند» (پیرنجم‌الدین، ص ۱۲۸). به باور سعید «غرب غارتگر و شرق شناسی، حرمت اسلام و اعراب را مخدوش نموده‌اند» (سعید، ۲۰۰۳: ۳۳۱) مور در یادداشتی به اثر تراژیک گبرها^۱ نوشته ولتر^۲ نیز اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که تلمیح وی به ژانسنیست‌ها^۳ - از فرقه‌های مسیحیت که از سوی کلیسای کاتولیک مورد تکفیر قرار گرفت - است و اضافه می‌کند «جای شگفتی نیست اگر داستان آتش پرستان دارای قابلیت کاربرد دوگانه است» (مور، ۱۸۱۷: ۱۷۳)

نتیجه

توماس مور شاعر یست که هرگز سفر به شرق را تجربه نکرد ولی به مدد مطالعه

1. Les Guebres: Tragedie (1769)
3. Jansenists

2. Voltaire (1694-1778)

سفرنامه‌های اروپاییان و ترجمه آثار ادب فارسی و عربی و معارف اسلامی کوشید تا در شعر بلند لاله رخ فضایی شرقی بیافریند. در اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده میلادی، رمانتیسم ذائقه و مکتب ادبی حاکم بر اروپا و انگلیس بود و شعرای رمانتیک شرق را سرزمین ناشناخته‌ها و منبع بزرگ الهامات شعری می‌دانستند. مور نیز چون کیتز، شلی، بایرون و دیگر شعرای رمانتیک زمانه‌اش رویکرد آشکاری به شرق دارد؛ اما این رویکرد محدوده‌ای فراتر از شناخت و ستایش تاریخ و فرهنگ شرق و به ویژه ایران دارد. شاعر ایرلندی مشترکات و تشابهات فراوانی میان تاریخ مبارزات وطن‌پرستانه ایرانیان و جنبش‌های استقلال طلبانه هم‌میهنان خویش می‌یابد و با بهره‌گیری از غنای فرهنگ و ادب ایران و تنوع ادیان و مذاهب شرقی، اثری می‌آفریند که هم خواننده عام را مجذوب خویش می‌سازد و هم در لایه‌های زیرین مخاطبان خاص را هدف قرار می‌دهد. او شرق را در خدمت غرب در می‌آورد تا آن گونه که سعید در شرق شناسی عنوان می‌کند چهره غرب را خردگرا، آزادی خواه، صلح طلب، منطقی و پایبند به ارزش‌های راستین بنمایاند و از این مجال برای «ساختن» جهان غرب سود برد. او در پناه پوشش شرقی شعر خویش با خواننده غربی و به ویژه ایرلندی، سخن می‌گوید و در این سیر ادبی در کنار او می‌ماند. به امید آن که در انتهای سفر خواننده خویش را چون لاله رخ به شناخت و معرفت رهنمون سازد. در نگاهی دیگر و فارغ از برخی انحرافات شاعر در ترسیم تصویر حقیقی جهان شرق و تباینات ادبی و مذهبی میان فرهنگ و ادبیات شرق و اثر شاعر، گزینش هدفمند وقایع تاریخی ایران و بهره‌گیری گسترده از ادبیات فارسی در خلق اثر لاله رخ گواهی است بر عمق و غنای تاریخ و تمدن و ادب و فرهنگ این مرز و بوم که بازتاب تنها گوشه‌ای از آن در شعر لاله رخ شهرت و محبوبیت فراوانی برای خالق آن به ارمغان آورده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- احمد سلطانی، منیره. ۱۳۸۸. «موتیف های مشترک راست نمایی در اشعار سعدی و والت ویتمن» در: فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ادبیات تطبیقی. سال سوم، شماره ۹؛ ص ۲۶-۱۱
- اسمی تر، هووارد. ۲۰۰۰. *تاریخچه آواز: آواز خوانی در قرون نوزده و بیست*. کارولینا: انتشارات دانشگاه کارولینای شمالی.
- بل، جان. ۱۸۲۸. *گردهمایی زیبارویان: یا مجله دربار و شیکپوشان، شامل ادبیات اصیل و اطلاعات دنیای مد*. شماره هفتم. ص ۱-۱۹۰
- پیر نجم الدین، حسین. ۲۰۰۲. *نمایش شرق شناسانه ایران در آثار اسپنسر، مارلو، میلتن، مور، و موریر*. رساله دکترا. بیرمینگام: آرشیو دانشگاه بیرمینگهام.
- تابان، تورج. ۱۳۶۸. «قیام مقنع، جنبش روستایی سپیدجامگان». در: *مجله ایران شناسی*، سال اول، شماره ۳، ص ۵۶۱-۵۳۲
- جامی، عبدالرحمن بن احمد. ۱۳۸۶. *مثنوی هفت اورنگ*. تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. تهران: اهورا.
- حسن، کاید. ۱۹۹۱. *شب های عربی: زمینه ها، تحولات، و تأثیرات آن بر تئاتر و ادبیات انگلیس*. رساله دکترا. تگزاس: دانشگاه تگزاس.
- سعدی. *کلیات سعدی*. ۱۳۵۵. تصحیح ذکاءالملک فروغی. چاپ چهارم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
- سعید، ادوارد. ۲۰۰۳. *شرق شناسی*. نیویورک: پنگوئن بوکس.
- شرف الدین، محمد. ۱۹۹۶. *اسلام و شرق شناسی رمانتیک: مواجهات ادبی با جهان شرق*. لندن: آی. بی. توریس.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۷۹. *حماسه سرایی در ایران*. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۳۵۴. *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کلینی، ثقة الاسلام. ۱۳۸۷. *اصول کافی*. ترجمه و شرح فارسی شیخ محمد باقر کمره‌ای. چاپ ششم. تهران: انتشارات اسوه.
- کیتلی، توماس. ۱۸۳۳. *اسطوره شناسی پریان*. لندن: ویتیکر، تریچر و شرکا.
- گرگوری، الن. ۲۰۰۶. *شرق شناسی توماس مور*. دوبلین: نیوستید ایی اند آیریش بایرن سوسایتیز.
- گود، جی. ام. گرگوری، اُ باث ورث، ان. ۱۸۱۳. *پنتولوژیا: دایرة المعارف جدید، حاوی مجموعه کامل الفبایی*

مقالات، رسالات، و اصول. جلد ۸. لندن: کرسلی.

گوین، استفن لوسیوس. ۲۰۰۸. *توماس مور*. بیلبوبازار، ال. ال. سی.

نون، جوزف. ۲۰۰۴. *شرق شناسی ایرلندی: تاریخچه ادبی و پژوهشی*. سیراکوز: انتشارات دانشگاه سیراکوز.

مور، توماس. ۱۸۱۷. *لاله رخ، داستان عاشقانه شرقی*. لندن: انتشارات لانگمن. چاپ سوم.

نرخسی، ابو بکر محمد بن جعفر. *تاریخ بخارا*. ترجمه ابو نصر محمد بن نصر القبادی، تهران: سنائی، بی تا.

نصر اصفهانی، علی. ۱۳۸۸. «بررسی تطبیقی دیدگاه سعدی و اندیشمندان غربی (مدیریت درباره ظاهر و باطن افراد)» در: *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ادبیات تطبیقی*. سال سوم، شماره ۹؛ ص ۲۰۴-۱۸۷.

وب، تیموتی. «هلنیسم رمانتیک»، در: *راهنمای ادبیات رمانتیک بریتانیا*. کوران، استیوارت. ۱۹۹۳. کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.

ویل. جفری. ۲۰۰۵. «*الگوی انقلاب: انقلاب و استقلال ملی در لاله رخ توماس مور*». مجله الکترونیکی راون. شماره چهلیم.

Bibliography

Quran.

Ahmad Soltani, Monireh. "Common Motifs of Realism in Sa'di and Walt Whitman's Poetry". *Comparative Literature Studies*, Spring 2009; 3(9): 11-26.

Bell, John. *Belle Assemblée: or, Court and Fashionable Magazine, Containing Interesting and Original Literature, and Records of the Beau-monde*. Volume 7. 1828; 190-1

Good, J. M. Gregory, O. Bothworth, N. *Pantologia: A New Cyclopaedia, Comprehending a Complete Series of Essays Treatises, and Systems, Alphabetically Arranged*. London: Kearsley, 1813.

Gregory, Allan. *Thomas Moore's Orientalism*. Dublin: Newstead Abbey and Irish Byron Societies, 2006

Gwynn, Stephen Lucius. *Thomas Moore*. BiblioBazaar, LLC, 2008.

Hassan, Kaied. *Arabian Nights: Its background, its development as an original*

- play, and the influence of the nights on English literature and drama*. Ph.D. Dissertation. Texas Tech University, 1991.
- Jami, Abd al-Rahman ibn Ahmad. *Haft Ovrang*. Ed. Morteza Modarres Gilani. Tehran: Ahoura, 1386.
- Keightley, Thomas. *The Fairy Mythology*. London: Whittaker, Treacher, and Co. 1833.
- Koleini, Seghat al-Islam. *Osoul Kafi*. Trans. Kamarei, Mohammad Bagher. 6th ed. Osveh Publications, 1387.
- Lennon, Joseph. *Irish Orientalism: A Literary and Intellectual History*. Syracuse: Syracuse University Press, 2004.
- Moore, Thomas. *Lalla Rookh, an Oriental Romance*. London: Longman, Third Edition, 1817.
- Narshakhi, Abu Bakr Mohammad ibn Jafar. *The History of Bokhara*. Trans. Abu Nasr Mohammad ibn Nasr al-Qubadi. Tehran.
- Nasr Esfahani, Ali. "A Comparative Study on Sa'di and Western Thinkers on Individuals' Appearance and Conscience." *Comparative Literature Studies*, Spring 2009; 3(9): 187-204.
- Peernajmodin, Hossein. *Orientalist representations of Persia in the works of Spenser, Marlowe, Milton, Moore and Morier*. Birmingham: University of Birmingham Research Archive, 2002.
- Sa'di. *Collection of Poems*. Ed. Zaka al-Molk Foroughi. 4th ed. Tehran: Javidan Publications, 1355.
- Safa, Zabihollah. *Epic Poetry in Iran*. 6th ed. Tehran: Amir Kabir Publications, 1379.
- Said, Edward. *Orientalism*. New York: Penguin Books, 2003.
- Sharafuddin, Mohammed. *Islam and Romantic Orientalism: Literary Encounters with the Orient*. London: I. B. Tauris Publishers, 1996.
- Smither, Howard. *A History of the Oratorio: The Oratorio in the Nineteenth and Twentieth Centuries*. University of North Carolina Press, 2000.
- Taban, Touraj. *Moqanna's Uprising, Rustic Movement of the White-dressed*. Iran Shenasi Journal, Vol. 3, 1368; 532-561.
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. *History of al-Tabari*. Trans. Abo al-Ghassem

Payandeh. Tehran: Iranian Culture Foundation, 1354.

Vail, Jeffery. "The Standard of Revolt": *Revolution and National Independence in Moore's Lalla Rookh*. Electronic Journal RaVoN (Romanticism and Victorianism on the Net), Number 40, November 2005.

Webb, Timothy. "Romantic Hellenism", *The Cambridge Companion to British Romanticism*. Curran, Stuart. Ed. Cambridge: Cambridge University Press, 1993.